

اعترافات [۱]

خدمات اسلام به اروپا

تحقیق و تألیف: عطائی اصفهانی



انتشارات حضرت عباس علیّه السلام

اعترافات (۱)

خدمات اسلام به اروپا

تحقیق و تألیف: عطائی اصفهانی

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

قیمت: ۲۸۰۰۰ ریال

چاپ: نهضت

ISBN: 964 - 8158 - 20 - 7

شابک: ۹۶۴-۸۱۵۸-۲۰-۷

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

مرکز پخش و مکاتبه:

قم / خیابان مولوی / مقابل بیمارستان آیه الله گلپایگانی (ره) / کتابسرای مهدی / تلفن: ۶۶۱۴۹۷۰ (۰۲۵۱)

-۰۹۱۲۲۵۳۱۳۸۷-

فراز‌هایی از اعترافات اندیشمندان غربی

ویل دورانت: (مورخ مشهور امریکایی)

... از این میان کسانی که بیشتر نامشان به یاد می‌ماند، مورخانند که همه اطلاعات خود را درباره تمدن اسلامی مدیون ایشانیم...

فرقه شیعه در تاریخ اسلام اهمیت فراوان دارد، همین فرقه است که خلافت امویان را منقرض کرد، بر ایران و مصر و ناحیه مسلمانان هند، استیلا یافت و در ادبیات و فلسفه نفوذ بسیار نمود.

تاریخ تمدن، جلد ۱۱، صفحه ۳۰۵ و ۲۷۹

جرجی زیدان: (مورخ و نویسنده مسیحی)

شگفت آنکه فرنگیان تصور می‌کنند که آنان علم «سیاست اقتصادی» را وضع کرده‌اند. در صورتی که هزار سال پیش، فارابی در آن باب، کتاب نوشته و پس از وی ابن‌خلدون در مقدمه تاریخ خود در آن باره بحث کرده است.

گوستاویلوبون: (مورخ، جامعه‌شناس و پزشک فرانسوی)

ما باید در حقیقت اعتراف کنیم که آنچه آزادی فکری داریم و نام آن را آزادی فکری می‌گذاریم، ریشه‌اش از اعراب - مسلمین - گرفته شده و آنها بودند که دست به این کار زدند.

تمدن اسلام و عرب، صفحه ۵۵۱

پی‌یر و سوزو: (ریاضیدان، نویسنده و محقق فرانسوی)

در بحبوحه قرون وسطی، هنگامی که ملل اروپایی به انتها حد انحطاط و هرج و مرج فکری سقوط کردند، بار دیگر اختراعات صنعتی و ابداعات فکری را از ممالک شرق اقتباس کردند و همین اقتباس مبنای پیشرفت و اساس ترقی ایشان شد.

تاریخ صنایع، صفحه ۱۱۲

جان دیون پورت: (محقق و مستشرق انگلیسی)

اروپا بیشتر از اینها به اسلام مدیون است... اروپا باید به خاطر داشته باشد که به پیروان محمد دین دیگری دارد و آن عبارت است از اینکه؛ همین مسلمین بودند که حلقه اتصال ادبیات قدیم و جدید شدند، و در طول مدت زیادی که اروپا در تاریکی فرو رفته بود، مسلمین تألیفات و تحقیقات عده زیادی از فلاسفه یونان را حفظ کرده، و بسط و نشر مهم ترین رشته های علوم طبیعی و ریاضیات و طب و غیره را بر عهده داشتند؛ و این علوم به مقدار زیادی مدیون زحمات آنهاست.

عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، صفحه ۱۳۱

فیلیپ ک. حتی: (مورخ مسیحی)

باید دانست که اروپایی ها در زمینه علوم و صنایع چیزی نداشتند که به مسلمین بیاموزند، مخصوصاً در علم طب، معلومات مسلمین با آنها قابل مقایسه نبود، چنانکه یکی از مورخین عرب در آن ایام افسانه های تمسخرآمیزی از جهل اروپائیان در مسایل طبی نقل کرده و امروز در دست است.

تاریخ عرب، صفحه ۱۹۳

توماس کار لایل: (نویسنده مشهور انگلیسی)

باید نیک تدبیر کنند آن قوه ای که این شمشیر را در جزیره العرب از غلاف بیرون کرده و برق آن را در قلعه کوه های فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و کنگره طاق مداین تا سمرقند و روی اهرام مصر در دست فاتحین بزرگ ظاهر و نمایان کرد کدام قوه بود. بی شک همان قوه، آیین محمد [ﷺ] بود. قهرمانان

جرج برنارد شاو: (نویسنده انگلیسی)

به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد آن را دارد که بتواند با تحولات اعصار مختلف زندگی بشر همگام گردد. من راجع به مذهب محمد پیشگویی می کنم که این مذهب را اروپای فردا خواهد پذیرفت، همان طوری که به نظر اروپایی های امروز قابل قبول گردیده است.

مذهب در آزمایشها و رویدادهای زندگی، صفحه ۱۹۰

دکتر زیگريد هوفکنه: (مورخ و اسلام‌شناس آلمانی)

این عادت را ما نیز از اعراب داریم که اعدادشان را تا صد از راست به چپ می‌خوانند. مانند الفبای خویش که از راست به چپ می‌نویسند و می‌خوانند... نه تنها ما، بلکه تمام ملل متمدن امروز از همان اعدادی استفاده می‌کنند که زمانی مسلمانان به ما یاد داده‌اند... البته بعد از آنکه نهرهای علم و دانش از مراکز بلند پایه اسلامی اسپانیا بر اروپا جاری شدند، و از اجتماع آنها سیلابی به وجود آمد، از آن پس امواجی از این سیلاب علم، از مرکز فکری ایتالیایی‌اش شروع به راه یافتن به تمام اروپا کرد.

فرهنگ اسلام در اروپا، صفحه ۹۷

گوته: (فیلسوف آلمانی)

سالیان درازی کشیشان از خدا بی‌خبر! ما را از پی‌بردن به حقایق قرآن مقدس و عظمت آورنده آن (محمد) دور نگهداشته‌اند. اما هر قدر که ما قدم در جاده علم و دانش گذاریم پرده جهل و تعصب نابه‌جا را دریده‌ایم و عنقریب است که این کتاب توصیف‌ناپذیر (قرآن) عالم را به خود جلب نموده و تأثیر عمیقی در علم و دانش جهان گذاشته و عاقبت محور افکار مردم جهان گردد.

همین کتاب، فصل قرآن از دیدگاه دانشمندان

نولدکه: (خاورشناس آلمانی)

بلاغت قرآن با سادگی که دارد، فضیلت آن به اوج کمال رسیده و به واسطه این کتاب، ملتی متمدن از قبایل وحشی و بی‌تربیت، ایجاد گردیده و به دنیا تعلیم و تربیت آموختند.

همین کتاب، فصل قرآن از دیدگاه دانشمندان

لورد هدلی: (محقق، دین‌شناس و نویسنده انگلیسی)

من سبب اسلام آوردن خود را گفتم و حالا از دیگر مسیحیون تمنا می‌کنم به دین اسلام بگروند؛ زیرا مسلمان شدن دشمنی با عبودیت نیست، بلکه اسلام یک درجه بالاتر از مسیحیت حقیقی است. بنابراین مسیحیان که ۹۹ درصد آنان معنی اسلام را نمی‌دانند، حق ندارند آن را تقبیح کنند.

...بعضی گمان می‌کنند سیاست خودکامه ملل اروپایی، سبب انحطاط مسلمین است و برخی خیال

می‌نمایند فلسفه سقیم و غیرانسانی آنها سبب این وضعیت است، ولی ما متذکر می‌شویم که سقوط ملل

مسلمان بر اثر اعمال خود آنهاست. اینان اگر اوامر الهی را رعایت کنند همه عناصر سقوط را مسحو می‌کنند.

پروفسور ه. ا. ر. گیپ: (استاد زبان عربی در دانشگاه لندن، آکسفورد و...) باید دانست که مشرق، جاذبه جدیدی برای اروپائیان باز کرد تا در ادبیات به مقام کنونی رسیدند... عالم غرب در آغاز تصور می‌کرد که مشرق تنها دارای تفوق لشکری و جنگی است، ولی پس از تحقیق با کمال احترام، باید تصدیق و اعتراف نمود که مشرق زمین از لحاظ افکار و تخیلات و آثار ادبی و فلسفی نیز ریحان دارد. از این جهت مجبور شد که از ذخایر ادبی ایران و بعضی از ملل عرب مقدار زیادی به وام ستاند و از آنها قسمتهایی را اقتباس کند، چنانکه این اقتباس و استفاده را در آثار دانتیه به خوبی ملاحظه می‌کنیم.

دکتر آلفرد گیوم: (دکتر در طب و علوم الهی، استاد زبان عبری و شرقی دانشگاه دورهام) این نظر که اسلام زاینده تمدن اروپایی است منحصر به پروپگاندها و تبلیغات ادبی نیست، بلکه در آثار جدید فضلا و دانشمندان اسلامی که تحقیقاتی در تاریخ ترقیات دنیای اسلامی قرون وسطی به عمل آورده‌اند، نیز دیده می‌شود.

پرلامفلس: (کشیش معروف مسیحی) قرآن نه تنها عرب را داخل اسلام نمود، بلکه در حدود سیصد گونه ملت از ملل مختلفه را در آن داخل کرده و سایه قرآن روز به روز پهن تر شده، بر آفریقا و آسیا سایه می‌گستراند، در صورتی که مبشرین نگاه می‌کنند و کاری از دست ایشان بر نمی‌آید. همین کتاب، فصل قرآن از دیدگاه دانشمندان

ه. ج. فارمر: (استاد دانشگاه گلاسکو)

کم‌کم ضعف و انحطاط بر دنیای اسلامی روی آورد و آن تفوق سیاسی و صنعتی که مسلمین قرن‌ها

دارا بودند، از بین رفت. بلی هنگامی که نفوذ سیاسی کشوری کم شود، نفوذ صنعتی نیز به خودی خود ضعیف می‌گردد.

میراث اسلام، صفحه ۱۴۶

مارتین، س. بریگز: (عضو انجمن شاهنشاهی معماری انگلیس)

شاید تا یک قرن دیگر بتوانیم آنچه در عالم معماری و ساختمان به دنیای اسلام مدیونیم، با کمال اطمینان تعیین کنیم... اعراب که در عرض نیم قرن مانند گردبادی خود را به ستونهای هرقل (جبل الطارق) در مغرب و سرحدات هندوستان در مشرق رسانیدند، کشورهایی را متصرف گشتند و صاحب تمدن و علوم گوناگون بودند.

میراث اسلام، صفحه ۲۰۸

پروفسور دیوید دوسافقیلانا: (استاد تاریخ سیاسی و مذهبی بنگاههای اسلامی در دانشگاه رم)

... آنچه ما به طور محقق از قانون عرب اقتباس نموده‌ایم، عبارت از تشکیل مؤسسات قانونی، مانند شرکت‌های سهامی محدود، و گذشته از این بعضی از نکات فنی بازرگانی است. از طرف دیگر شکی نیست که معیار و میزان عالی اخلاقی عرب که در بعضی از قوانین آن مستتر است به وضع مطلوبی در نشو و نمای عقاید و قوانین فعلی ما مؤثر بوده و هنوز هم تأثیر آن در مساباقیست و ارزش آن دانمأ در خاطر هاست.

میراث اسلام، صفحه ۲۹۱

ا. ه. کریستی: (هنر شناس مسیحی)

در میان چیزهایی که انتشار بسیار دارد و ماده و طرح و صنعت خود را به مسلمین مدیون است، کتابهای چاپی امروزی است.

میراث اسلام، صفحه ۶۴

ج. ب. قرفند: (استاد زبان اسپانیایی دانشگاه کمبریج و عضو انجمن اسپانیایی آمریکا)

شکی نیست هنگامی که قسمت اعظم اروپا ماداً و معناً گرفتار بدبختی و اضمحلال بود، مسلمین اسپانیا تمدن باشکوهی ایجاد و وضع اقتصادی منظم و مرتبی به وجود آوردند.

... بزرگ‌ترین چیزی که مسلمین اسپانیا به اروپا اهداء نموده‌اند، آثار فلاسفه است.

میراث اسلام، صفحه ۱۵۱

کامپو ماننس: (نویسنده و محقق اسپانیایی)

اگر مسلمانان در جریان لشکرکشی به فرانسه پیروز شده بودند، اروپای دور از هر گونه تمدن و غرق در توحش به چنان تمدنی می‌رسید که اسپانیا در زیر پرچم اسلام بدان تمدن دست یافت.

اعترافات ۲، صفحه ۲۴

ج. ه. کریمرز: (استاد زبان فارسی و ترکی دانشگاه لیدن «هلند»)

باید دانست که منافع مادی و معنوی که اروپا از دنیای اسلام در عالم جغرافیا و بازرگانی اکتساب نمود، تنها ثمره‌ی یکی دو لحظه نبود؛ بلکه بر اساس روابط ممتدی قرار داشت. ادامه‌ی تمدن اسلامی و ثمرات آن موجب شد که بعضی از عقاید و آداب و رسوم اسلامی در کشورهای اروپایی رایج گردد، ولی هیچ دوره‌ای به طور وضوح تفوق بی‌منتهای ملل اسلامی را بر دنیای مسیحی، همچون قرن دهم آشکار نمی‌سازد؛ زیرا در این قرن اسلام در اوج موفقیت و اروپای مسیحی در حالت نومیدی و رکود بود.

میراث اسلام، صفحه ۲۰۴

آنا تول فرانس: (نویسنده و اندیشمند فرانسوی)

حمله‌ی وحشیهای شمال اروپا بر اسپانیا و نابود کردن حکومت و دستگاه علمی اسلامی، اقل‌پانصد سال اروپا را از ترقیات علمی و رنسانس عقب انداخت.

عذر تقصیر...، صفحه ۱۳۳

موشیم: (محقق و نویسنده غربی)

به اتفاق آرای همه‌ی شهود معتبر، هیچ چیز اشفته‌تر و حزن‌آورتر از ظلمتی که در قرن دهم مسیحی در جهان غرب حکومت می‌کرد وجود نداشت.

پس باید قبول کرد که کلیه‌ی علوم اعم از فیزیک، هیئت، نجوم، فلسفه و ریاضیات که از قرن دهم به بعد در اروپا رونق گرفت اصولاً مأخوذ از مدارس اعراب است.

عذر تقصیر...

میویس. ب. جالی: (محقق، نویسنده و اسلام‌شناس غربی)

...در متمدن‌های بی‌دینی، تمام ادیان اعم از بودایی، هندو و یهودیت را بررسی کردم تا به اسلام رسیدم. بهترین حکومت‌های قرن بیستم نتوانسته‌اند چیزی به تعلیمات وحی اسلامی بیفزایند؛ بلکه دائم از آن تقلید می‌کنند!

اعترافات ۲، صفحه ۸۸

خانم هدیه هیدی والسر: (محقق، اسلام‌شناس و نویسنده انگلیسی)

...تعالیم اسلام برای افکار سالم و ارواح بی‌آلایش جذاب و ریاینده است. بدین جهت نتوانستم در مقابل آن مقاومت کنم... اگر اروپائیان می‌توانستند اسلام را درک کنند و حریت و آزادی آن را بپذیرند، می‌دیدند که چگونه زندگی‌شان بهبود می‌یافت.

اعترافات ۲، صفحه ۹۰

دکتر ماکس میرهوف: (طبیعی‌دان مسیحی)

خلاصه با این وسیله (گسترش اسلام در جنگهای صلیبی) علوم شرق مانند باران رحمت، بر خاک خشک اروپا بارید و آن را حاصلخیز ساخت.

میراث اسلام، صفحه ۱۳۲

ادوارد گیبون: (نویسنده، محقق و مورخ انگلیسی)

اگر آن روز (در جنگ «تور» بین عبدالرحمن با شارل مارتل ۷۳۲م.) اعراب فاتح می‌شدند، امروز به جای کلیساهایی که در لندن و پاریس برپاست، مسجد برپا بود و در دانشگاه‌های اکسفورد و سایر مراکز علم و دانش، علما به جای آنکه انجیل را شرح و تفسیر کنند، اکنون به تفسیر و تعلیم قرآن مشغول بودند.

تاریخ عرب، صفحه ۷۴

دکتر ماکس ماونیف: (محقق و اسلام‌شناس غربی)

فرهنگ اسلام، جنبش علمی رنسانس را به وجود آورد، و در حقیقت باید مدعین باشیم که تا امروز ما با علوم اسلامی زندگی کرده‌ایم نه چیز دیگر. اسلام پس از ورود به کشورهای مغلوب، رنگی به آنها داد که چشم‌ها را خیره نمود.

جنگهای صلیبی، ج ۱ صفحه ۲۷

ویلیام دراپر: (اسلام‌شناس غربی)

من از توجه به سبک و روشی که آثار علمی غرب در پیش گرفته و کوشیده است تا ما، دیون علمی خود را به مسلمانان، از نظر دور داشته باشیم، رنج می‌برم. اسلام و غرب، صفحه ۲۹

بارون کارول دوو: (اخترشناس و ریاضی‌دان مسیحی)

در عرض این دو قرن کشفیات زیادی که پای تمدن کنونی ما را تشکیل می‌دهد به عمل آمد. ... بعضی اوقات مردم سؤال می‌کنند که علت ترک فعالیت معنوی و علمی در دنیای اسلامی چیست و چگونه ممکن است چنین بی‌هوشی و خواب عمیقی، در پس آن همه فعالیت‌های بارور پیش آید؟! بدیهیست این موضوع حاوی مسائل مبهم روانشناسی است که هنوز کسی نتوانسته است، جواب و فرضیه قطعی برای آن تهیه کند، و چون من نیز از این کار عاجزم تصور نمی‌کنم که کوششم در این راه منجر ثمر باشد. میراث اسلام، صفحه ۳۰۸ و ۳۱۵

(جوابش را ائمه معصومین علیهم‌السلام داده‌اند و ما در فصل پایانی برخی از آن را متذکر شده‌ایم: غرور؛ غفلت از خدا و هدف اصلی؛ اسراف و تبذیر در عیش و نوش‌ها؛ تجمل‌گرایی و راحت‌طلبی و... باعث انحطاط، انحلال و انقراض حکومتها می‌شود.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي منّ على الناس بارسال نبيه الأُمّی إليهم لتبشيرهم بالجنة و إنذارهم من النار حيث قال: «و ما أُرسلناك إلا كُفّة للناس بشيراً و نذيراً و لكنّ أكثر الناس لا يعلمون» ثم الصلاة والسلام على خاتم الأنبياء و المرسلين محمد المصطفى صلى الله عليه و آله الطاهرين، لاسيّما بقية الله الأعظم الحجّة الثاني عشر المهدي المنتظر (عج)

حمد و ثنای بی حد ذات اقدس الهی را، که بر مردم سراسر گیتی، اعم از عرب و عجم، سیاه، سفید و سرخ مَنّت نهاد و آئین مقدس اسلام را که سرآمد تمام ادیان آسمانی است، توسط برگزیده خود نازل فرمود تا هم بشیر باشد و هم نذیر؛ بشیر باشد به این فرمان که ای مردم! اگر به اسلام بگروید و به دستورات آن عمل کنید، سعادت دنیا و آخرت شما تأمین خواهد شد، و نذیر باشد به اینکه بگویند ای مردم! اگر از قبول اسلام و اجرای اوامر و نواهی خداوند دریغ ورزید، پاداشی جز عذاب و خلود در نار نخواهید داشت. در عین حال مردم به اقتضای طبعشان، برخی سخن حق را شنیده و به اسلام گرویدند و بعضی به پیام رسول خدا ﷺ اعتنایی نکرده و همچنان در گمراهی ماندند و این در اثر جهل و بی‌خردی آنان بود.

و اما بعد: بدون تردید بی‌اطلاعی از تاریخ، عامل مهمی است در جهت عقب‌ماندگی انسان و در نهایت جامعه؛ زیرا یک جامعه زمانی می‌تواند در جهت کمال

حرکت کند که از گذشته خود به درستی مطلع باشد. صرف نظر از اینکه عدم آگاهی از گذشته خود، باعث خودباختگی جامعه به ویژه قشر تحصیل کرده، در برابر رخ دادها و حوادث سطحی و زودگذر می گردد. همچنان که می بینیم در عصر کنونی، بسیاری از همین خودناباوران خودناشناخته، با مشاهده چند فن آوری جدید از غربی ها، خود را باخته و به اصطلاح غریزه شده اند.

بی اطلاعی از تاریخ اسلام نیز از همین مقوله است؛ زیرا بی اطلاعی از تاریخ اسلام (به خصوص از گسترش اسلام در قرون اولیه) و همواره چشم به دروازه های کشورهای غربی دوختن، ثمره ای جز این نخواهد داشت که آنان ما را به عنوان مصرف کنندگان کالاها و خود تلقی کنند و مدام بر پیشرفت ها و نوآوری هایشان بیفزایند و ما را در این جهت بی خبر نگه دارند که آنان از دانشمندان، نخبگان و نوابغ مسلمانی چون جابر بن حیان، رازی، ابن سینا، ابوالقاسم قرطبی، ابوریحان، ابن رشد، ابن زهرای، ابن هیثم، خواجه نصیر و... الهام گرفته و بر فراز قله تکنولوژی جدید رسیده و به پیشرفت های چشمگیری دست یافته اند و ما بدون توجه به گذشته خود و اینکه استوانه ها و پایه گذاران علوم امروزی تماماً مسلمان و از نیاکان علمی خودمان بوده اند، چشم به دروازه های غرب دوخته و در انتظاریم آنان فرآورده جدیدی برای ما بیاورند و دائم از ضعف و عقب ماندگی ملل اسلامی بنالیم!!

دانشمند محترم، جناب آقای «مرتضی رهبانی» در مقدمه ترجمه کتاب «فرهنگ اسلام در اروپا» تألیف دکتر زیگريد هونکه آلمانی با بیانی دیگر مسئله عقب ماندگی و ضعف جامعه اسلامی را مطرح می کند که ما در اینجا به قسمتی از آن اشاره می کنیم: ... انسان از خواندن این همه دروغ و تحریف در کتابهای تاریخ تمدن دلتنگ می شود، به خصوص کتابهایی که در هفتاد سال اخیر نوشته شده است.

— همه جا صحبت از هومانیزم و رنسانس و تمدن یونان است؛ ولی کسی نمی پرسد که آخر رنسانس از کجا آمد؟

— اروپایی که تقریباً هزار سال پیش در جهل و نادانی و کثافت و خفت زندگی

می‌کرد، چه شد که یکباره عشق به علم در او پدید آمد؟

— آخر در فاصله بین تمدن یونان تا رنسانس، هزار و پانصد سال تاریخ قرار دارد؛

چرا در این مدت اروپا بیدار نشد و از به اصطلاح «تمدن یونان» تجدید نکرد؟

— چرا این کار بلافاصله پس از جنگهای صلیبی انجام شد؟

— کسی نمی‌پرسد که ملل مسلمان چه نقشی در بیداری اروپا داشتند و مقام

علمی و صنعتی ملل اسلامی در این ششصد ساله بعد از مسیح، (یعنی از ابتدای ظهور اسلام تا جنگهای صلیبی) در چه سطحی نسبت به اروپای آن زمان و حتی نسبت به اروپای امروزه بود؟

— شاید اگر کسی نیز یافته می‌شد و مختصری هم در این باره می‌نوشت، کسی

توجهی به نوشته او نمی‌کرد. شاید خواننده، سرد و بی‌علاقه از آن می‌گذشت. علت

این سردی و بی‌علاقگی در مقابل این تمدن، چند جانبه بود؛

— یکی اینکه ما همه چیز را از اروپا می‌گرفتیم، حتی تاریخ نویسی ما را؛ و

اروپا در این مورد حتی الامکان سعی داشت که این تاریخ را کتمان کند و از آن

صحبتی به میان نیاورد تا هم خود را تقریباً بانی این تمدن صنعتی جدید وانمود کند

و هم اینکه احساس شخصیت را در ملل اسلامی بیدار نکند که در این صورت

عواقب بدی را برای خود پیش‌بینی می‌کرد.

— دیگر اینکه جهان اسلام، در زیر ضربه‌های استعمار، فرصت آن را نداشت که

به حول و حوش خود بیندیشد و اگر چنین میلی هم در بعضی وجود داشت،

اروپایی‌ها موزیانه آن را به دوران ماقبل اسلام رهبری می‌کردند تا عالی‌ترین دوران

علم و صنعت را که همان دوران صدر اسلام بود، به فراموشی بسپاریم. به این ترتیب

ما را به جای بسیار دوری حواله می‌دادند که خطری برایشان نداشته باشد؛ خطر

تجدید حیات تمدن و صنعت و علم دوستی و استقلال.

— در این زمان که همه ما این سلطه فکری را احساس می‌کردیم، ولی دم

بر نمی‌آوردیم، جوانی مصری به نام التطاوی (الطهطاوی) که جرئت آن را داشت بدون

اجازه اروپا فکر کند، در سال ۱۹۲۴ میلادی در دانشکده طب آلمان در فرایبورگ، رساله دکترایی نوشت که در آن ثابت کرده بود که گردش خون کوچک را «ابن النفیس» در قرن دوازده تا سیزده میلادی کشف کرده است؛ یعنی سیصد سال قبل از «ویلیام هاروی» انگلیسی و دوست سال قبل از «میخائیل زروت» اسپانیایی.

— این حمله متقابل یک دانشجوی افریقایی که در قلب اروپا انجام گرفت، با توجه به کم اهمیت بودنش، مقدمه‌ای بود برای بحث و گفتگو و توجه دانشمندانی که در همان اروپا به دلیل انواع دروغ‌پردازی‌های خودشان از حقایق تاریخ تمدن جهان و به خصوص اسلام به دور نگه‌داشته می‌شدند و می‌شوند...

گرچه اروپا در جنگهای صلیبی از آسیا شکست خورد، ولی این تماس، آثاری عینی از تمدن کشورهای اسلامی در ذهن اروپائیان به جای گذاشت که پس از مدت زمانی رنسانس اروپا را سبب شد....

نتیجه اینکه: آگاهی از تاریخ و خبر داشتن از کم و کیف زندگی و عملکرد نیاکان خود در جهت منفی یا مثبت، یکی از بزرگ‌ترین عوامل ترقی و تکامل انسان محسوب می‌گردد. در این صورت بر هر دانشجو و پژوهشگری لازم و ضروری است فی‌الجمله تاریخ را بداند و از این طریق خود را بشناسد و باور کند تا از روی شناخت و آگاهی کامل به فعالیت، تحقیق و تفحص در رشته مورد علاقه‌اش بپردازد و به بلندی هم‌تش نردبان ترقی و تکامل را بالا رود.

هدف از تألیف این کتاب

۱- هدف نخست در این کتاب، اثبات این حقیقت است که تکنولوژی و علمی که در غرب توسعه یافته، توسط مسلمین پایه‌گذاری و نهاده شده است و اروپائیان تکمیل‌کننده بوده‌اند نه بنیانگذار یا مخترع و مؤسس. به دنبال این هدف برآن شدیم که ادعای خود را به گفتار و نوشتار دانشمندان و مورخین غربی مستند کنیم؛ زیرا اعترافات آنان در این زمینه ما را زودتر به هدف می‌رساند و شائبه تعصب‌گرایی را برطرف می‌سازد.

۲- برانگیختن دانشجویان و پژوهشگران و تحریص آنان به دستیابی آنچه از دست داده‌اند و پرهیز از کاسه‌لیسی بیگانگان؛ زیرا اگر ملت‌های مسلمان به ویژه جوانان، کمر همت را به حول و قوه الهی ببندند و با تمام نیرو و توان بکوشند تا اصالت ملی و مذهبی خود را بازیابند نه تنها به علوم و فنون جدید دست خواهند یافت؛ بلکه به خاطر پشتوانه معنوی یعنی قرآن و عترتی که دارند به مراتب از غریبها سبقت خواهند گرفت و در غیر این صورت به موازات پیشرفت‌های کشورهای غربی، در همه جهات علمی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی سیر نزولی خواهند داشت و این درست همان چیزی است که سردمداران غرب برای عقب نگه‌داشتن کشورهای جهان سوم به خصوص مسلمانان تدارک دیده‌اند و در این راستا برای نیل به اهداف خائنانه خود، سرمایه‌های کلانی را در جهت گسترش فساد و فحشا صرف نموده و می‌نمایند.

نکات قابل توجه درباره این مجموعه

۱- مختصر نویسی:

آنچه در این اثر کوچک ملاحظه می‌کنید، چکیده هزاران صفحه از کتابهای متعددی است که دانشوران و مورخین غربی به عنوان تاریخ اسلام نوشته‌اند (که برخی از آنها بسیار مفصل و مشروح و برخی نیز خلاصه و فشرده است)؛ یعنی به اشتباه تصور نشود که تاریخ علوم اسلامی و خدمات مسلمین به اروپا، منحصر به مطالب نقل شده در این کتاب است، بلکه آنچه ما در اینجا نقل کرده‌ایم، فرازهایی از هزاران صفحه تاریخ است که به عنوان نمونه یادآور شده‌ایم.

۲- پرهیز از مطالب تکراری:

با توجه به نکته اول، چنانچه در ضمن کتاب ملاحظه کردید که برخی مطالب، از چند مأخذ نقل شده و برخی فقط از یک مأخذ، این به آن معنا نیست که آن نقل واحد را همان یک مورخ نقل کرده و به عنوان خبر واحد اعتبارش کم شود، بلکه آن مطلب را

نیز سایر مورخین نقل کرده‌اند، لیکن ما بعضی را به لحاظ اهمیت موضوع و تأکید از چند مصدر نقل کرده‌ایم (اگر چه مکرر به نظر آید) و بقیه را از یک مصدر. و به همین خاطر (پرهیز از تکرار و اطالة کلام) خواهید دید که مندرجات فصول مساوی نیستند؛ یعنی برخی کمتر از برخی دیگر می‌باشد.

۳ — لفظ «عرب» در تاریخ مورخین غربی:

نکته‌ای که از دیرباز گاهی فکر و خیال مرا مشغول می‌ساخت این بود که چرا دانشوران و مورخین غربی در تألیفات خود مرتب، دم از «عربیت» می‌زنند و هر پیروزی، ترقی و پیشرفتی را به اعراب نسبت می‌دهند و حتی الامکان از به کار بردن لفظ اسلام و مسلمین دریغ ورزیده‌اند.

البته هیچ‌کس منکر این حقیقت نیست که اسلام، در جزیره العرب (مکه و مدینه) ظهور کرد و اکثر پیروان اولیه آن عرب بوده و غیر عرب همچون سلمان فارسی و بلال حبشی معدود بوده‌اند؛

لیکن وقتی رسول خدا ﷺ با سران کشورها مکاتبه کرد و مردم را به اسلام دعوت نمود از آنجا که به حق بود و از هر جهت جذابیت داشت، در اندک زمانی گسترش یافت و ملل مختلفی را جذب خود نمود. سپس آن پیشرفتهای محیرالعقول و خارق‌العاده در عرصه‌های مختلف (در قرون اولیه) توسط مسلمانان اعم از عرب و غیر عرب تحقق یافت.

وانگهی اگر ملاک آن پیشرفتهای عربیت بود، این عربها قبل از اسلام هم وجود داشتند، چرا قبل از اسلام در تاریخ مطرح نبوده‌اند و اظهار وجود نکرده‌اند؟!

پس حق مطلب این است که این آئین مقدس اسلام بود که به آنان بها داد و آنان را در سطح جهان مطرح ساخت.

به هر حال این نکته‌ای بود که گاهی به فکر و خیال من خطور می‌کرد و در این زمینه سه احتمال می‌دادم:

اول اینکه: مورخین متوجه نبوده‌اند و اینکه هر پیشرفتی را به عربها نسبت داده‌اند از روی بی‌توجهی بوده است.

دوم اینکه: تعصب‌گرایی، آنان را به این کار واداشته است.

سوم اینکه: سانسور حکومتی در این امر نقش داشته است.

بالاخره درصدد برآمدن و به تحقیق و تفحص و دقت بیش از پیش، در این زمینه پرداختن آنگاه به این نتیجه دست یافتیم که:

احتمال اول، درباره مورخین و محققینی چون «گوستاولوبون»، «جرجی زیدان»، «ویل دورانت» و... بی‌مورد و بیجا است. چون تحقیقات گسترده و مطالعات درازمدت آنان در تاریخ اسلام، این احتمال را رد می‌کند.

احتمال دوم، نیز به دو دلیل بعید است:

اولاً: بسیاری از مورخین، عرب نبوده، بلکه اروپایی، امریکایی و کلاً غیر عرب بوده‌اند.

ثانیاً: اکثر قریب به اتفاق مورخین، ضمن نوشتار خود به این حقیقت اعتراف کرده‌اند.

مثلاً جرجی زیدان در صفحه ۴۳۵ (از کتاب تاریخ تمدن اسلام) می‌گوید: اسلام در ابتدا یک نهضت عربی بود و مسلمان و عرب دو لفظ مترادف بودند، هر که می‌گفت عرب، قصدش مسلمان بود و اگر مسلمان می‌گفت، منظورش عرب بود...

و نیز در صفحه ۴۴۷ می‌گوید: بیشتر دانشمندان اسلامی ایرانی بودند... و حدود سه صفحه در این باره با ذکر اسامی دانشمندان و... شرح می‌دهد.

و همین‌طور «ویل دورانت»، «فیلیپ ک. حتی»، «زیگرید هونکه» و نیز در کتاب «میراث اسلام» به این نکته اذعان کرده‌اند.

آلبرماله در «تاریخ قرون وسطی» صفحه ۸۱ شرح داده که دانشمندان مسلمان از ملل مختلف، عرب، رومی، آفریقایی، هندی و... و اکثراً ایرانی بوده‌اند...

یعنی اگر از روی تعصب بود همین اشاره را هم نمی‌کردند.

بنابراین احتمال سوم؛ یعنی سانسور حکومتی به اثبات می‌رسد و جهت این سانسور هم، در نزد عقلا معلوم است و آن اینکه اگر از اول تا آخر کتاب به جای کلمات عرب، اعراب و عربها، از لفظ مسلمان و مسلمانان استفاده می‌کردند طبعاً تأثیر بسزایی در جامعه می‌گذاشت و سبب گرایش سایر ملل به اسلام می‌شد و آن برخلاف خواست و اراده حکومتها بوده است.

۴ — موضوع کتاب؛ تاریخ اسلام و مسلمین؛ نه بحث شیعه و سنی:

اینک با توجه به مطالب فوق، تذکر این نکته لازم و ضروری است که غالب نویسندگان و مورخین و دانشمندان غربی که گوشه‌هایی از تاریخ اسلام را بیان نموده‌اند (و ما فرازهایی از اقوالشان را در این کتاب آورده‌ایم) در صدد بیان تاریخ اسلام و گسترش آن و نیز عملکرد مسلمین به صورت کلی و عام بوده‌اند؛ صرفنظر از اینکه افرادی که از آنها نام می‌برند شیعه هستند یا سنی؛ یعنی آنان در صدد بیان مذاهب اسلامی نبوده‌اند، بلکه امت اسلام را یکپارچه دانسته و فقط آثار علمی و عملی آنان را از بیرون نظاره کرده‌اند و از اختلاف نظرها، سخنی به میان نیاورده‌اند مگر در موارد استثنایی.

در اینجا اگر از سخن حق نرنجیم و منکر واقعیات نشویم، باید بپذیریم که حق با مورخین غربی بوده که سخنی از شیعه و سنی به میان نیاورده‌اند، چون در صدر اسلام مذهب یا مذهبی به نام سنی وجود نداشته است.

یعنی مذاهب اربعه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) از اوایل قرن دوم به بعد تأسیس شده‌اند، در حالی که شیعه از زمان حیات رسول الله ﷺ وجود داشته و نام مبارک شیعه را پیامبر اسلام ﷺ به طور مکرر بر پیروان علی علیه السلام اطلاق فرموده‌اند. و در این باره روایات متعددی در جوامع حدیثی اهل سنت نقل شده است که از جمله آنها می‌توان به حدیث ذیل اشاره نمود:

عن جابر بن عبد الله قال: كنا عند النبي ﷺ، فاقبل علي بن ابي طالب عليه السلام فقال النبي ﷺ والذي نفسي بيده، ان هذا و شيعته لهم الفائزون يوم القيامة.^۱

جابر بن عبد الله انصاری نقل می‌کند: ما در محضر مبارک رسول خدا ﷺ بودیم که علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شد، پس رسول خدا ﷺ فرمودند: قسم به کسی که جانم در دست اوست، محققاً این علی و شیعیان او حتماً و یقیناً روز قیامت رستگار خواهند بود.

با این وجود می‌بینیم که پس از رحلت پیامبر خاتم ﷺ و حادثه سقیفه بنی ساعده، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با وجود اختلاف عقیده‌ای که با فرمانروایان داشت و حق مسلم خود را پایمال شده می‌دید، حفظ کیان اسلام را مدنظر گرفته و به نحوی با آنان همکاری می‌کرد و با راهنمایی‌های بی‌نظیر خویش به یاری آنان می‌پرداخت و حتی فرزندان را در جنگها و فتوحات آن زمان شرکت می‌داد.

به هر حال با توجه به مطالب فوق اگر در مجموعه اول و دوم اعترافات از افرادی به عنوان مثبت نام برده شده که از دیدگاه شیعه چهره منفی دارند، به آن معنا و مفهوم نیست که نگارنده توجه نداشته یا موافق بوده، بلکه این مطالب منقول، دیدگاه مورخین و دانشوران غربی است که ما بدون تصرف نقل کرده‌ایم.

۵- تفاوت این کتاب با کتاب «تابش اسلام در اروپا»:

از آنجا که کتاب اعترافات ۲، قبل از اعترافات ۱، آماده چاپ و نشر گردید، در آنجا خبر از تجدید نظر در کتاب تابش اسلام در اروپا و تغییر نام آن به اعترافات ۱ داده شد. ولی هنگامی که در مقام تجدید نظر و بررسی مجدد برآمدیم، آن را متناسب با اعترافات ۲ ندیدیم؛ چرا که مطالب آن اکثراً نقل به مضمون از کتب تاریخی بود و «اعترافات» چنان که از نامش پیداست، تماماً نص صریح گفتار دانشمندان و مورخین

است، لذا به طور کلی از ویرایش و رفع نواقص کتاب تابش اسلام در اروپا صرف نظر نموده و طبق وعده‌ای که داده بودیم به تحقیق و تتبع جدید در این زمینه پرداخته و کتاب حاضر را تقدیم عزیزان نمودیم، امید است مورد توجه واقع شود.

۶- عاری نبودن از عیب و نقص:

این اثر نیز مانند سایر آثار اینجانب خالی از عیب و نقص نیست و از آنجا که معتمد کار بی عیب و نقص مختص ذات اقدس الهی است، لذا همواره از انتقادات سازنده و پیشنهادهای دوستان در راه هر چه بهتر شدن آثار علمی استقبال می‌نمایم.

۷- نحوه ارجاع به مأخذ:

از آنجا که در عصر حاضر صنعت چاپ و نشر گسترش یافته و کتابهای معتبر، توسط ناشران متعدد به صورتهای مختلف و به اندازه‌های گوناگون و نیز به صورت تک‌جلدی یا چندجلدی منتشر می‌شوند و شماره صفحات یکنواخت نیست، لذا از ذکر شماره صفحه مأخذ مورد نظر در پاورقی‌ها دریغ نموده و فقط به ذکر نام مأخذ و اطلاعات ضروری آن (اعم از نام مؤلف یا مترجم، انتشارات، چاپخانه و...) بسنده کردیم. در این صورت آن‌که اهل تحقیق و تتبع است با داشتن همین اطلاعات ضروری به مطلب مورد نظر دست می‌یابد و آن‌که اهل تحقیق نیست ذکر شماره صفحات و عدم ذکر آنها برای او یکسان است.

بر همین اساس نام مصادر با خصوصیات کامل به ترتیب حروف الفبا در آخر کتاب آورده شده است. و در آخر هر مطلب، مأخذ را با شماره مخصوص آن، داخل پرانتز متذکر شده‌ایم.

اللهم وفقنا بما تحب و ترضی

م.ع. عطائی اصفهانی